

مهارت عذرخواهی^۱

حامد بابازاده مقدم^۲

مقدمه

حقوق ارتباطات، یک رشته حقوقی مستقل و نوپا است که در دهه‌های اخیر، بر اثر پیشرفت ابزارهای ارتباطی و ظهور شبکه‌های اجتماعی، اهمیت آن مورد توجه پژوهشگران حقوقی، اصحاب رسانه و مقامات دولتی قرار گرفته است. چنانچه استاد فقید حقوق ارتباطات دکتر کاظم معتمدنژاد تأکید داشتند، حقوق ارتباطات از مبانی مستحکمی برخوردار است که بسیاری از آنها تا حدود زیادی از اصول حاکم بر دیگر رشته‌های حقوق، منشاء گرفته‌اند. در دهه‌های اخیر آنچه بیش از هر چیز، حقوق ارتباطات را تحت تأثیر قرار داده و موجب تحول و تکامل آن شده است، پیشرفت تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات به ویژه شبکه‌های اجتماعی است. مسائل جدیدی که گسترش رسانه‌های نوین به همراه دارد؛ حتی باعث نوعی غافلگیری برای پژوهشگران حقوق ارتباطات و نهادهای متولی برای مقررات‌گذاری، نظارت و تأمین زیرساخت‌های ارتباطی شده است. آنچه مسلم است، حقوق ارتباطات برای پاسخگویی به مسائل جدید و نیازمندی‌های جامعه؛ هنوز در آغاز راه است. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های خروج از شرایط فعلی و کمک به تحول و توسعه حقوق ارتباطات، استفاده از یافته‌های سایر

۱. این نوشتار ترجمه مقاله آقای آرتور واتس با عنوان The Art Of Apology است.

۲. کاندیدای دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران hmoghadam32@yahoo.com

گرایش‌های حقوقی باشد. چنانچه در گذشته نیز همین‌طور بوده و به گواه تاریخ حقوق ایران و جهان؛ شاخه‌ها و گرایش‌های حقوقی جدید بر پایه‌ی اندوخته‌های حقوق مدنی، حقوق جزا، حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل بنیان نهاده می‌شود. در مورد حقوق ارتباطات، این روش بیشتر قابل استفاده می‌باشد، زیرا اصولاً حقوق ارتباطات بین‌رشته‌ای است. در یک نگاه کلی بین رشته‌ای حقوق و علوم ارتباطات بوده و از منظری دیگر در مباحث حقوقی هم از گرایش‌های مختلف حقوقی تشکیل شده است.

بر مبنای نکات فوق، در این نوشتار مترجم با ترجمه‌ای آزاد از مقاله آرتور واتس (Arthur Watts) با عنوان مهارت عذرخواهی آسعی داشته تا برداشت‌های مشترکی را در حوزه‌ی حقوق ارتباطات ارائه نمایند. به این ترتیب نوشتار حاضر از یک سو ترجمه‌ای روان از مقاله مهارت عذرخواهی برای استفاده دانشجویان و پژوهشگران حقوق بین‌الملل بوده و از سوی دیگر نکاتی کاربردی و مفهومی برای عذرخواهی در حقوق ارتباطات را برای مخاطب تبیین می‌نماید.

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؛ آغاز بحث

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بر این مفهوم بنیان نهاده شده که عمل متخلفانه‌ای توسط یک دولت ارتکاب یافته و در نتیجه دولتی دیگر از این بابت متضرر شود. علی‌رغم اینکه مسئولیت بین‌المللی با ادعا و انکار همراه است، و ممکن است در برخی موارد به ارجاع اختلاف نزد یک سیستم قضایی بین‌المللی بیانجامد، اما گام اول در این رابطه اغلب و فی‌نفسه بیشتر جنبه دیپلماتیک دارد، و دو دولت ذریبط در این مرحله در مورد راه‌ها و روش‌های حل اختلاف راجع به ماهیت رویداد و چگونگی انتساب مسئولیت بین‌المللی با هم به بحث و گفتگو می‌نشینند. رفتار معمولی در چنین گفتگوهای دیپلماتیک این است که دولت زیان دیده از دولت دیگر درخواست می‌کند که در مقام جبران رفتار خود صرفاً عذرخواهی کند، و یا اینکه علاوه بر

۳. این مقاله با عنوان *The Art Of Apology* در فصل دهم کتاب *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها* منتشر شده است.

عذرخواهی، برخی اقدامات جبرانی دیگر را هم انجام دهد از جمله اینکه غرامت پرداخت نماید. با این حال، این درخواست و نیز عذرخواهی در مجموع یک فرایند بدون مشکل نیست.

ماهیت و طبقه بندی‌ها

در ارتباطات بین‌المللی، عذرخواهی مقوله‌ای است که از لحاظ دیپلماتیک مورد استقبال بوده، اما از لحاظ حقوقی ریسک‌پذیر است. در حیات بین‌المللی و نیز در زندگی خصوصی، ابراز "تأسف" نقش زیادی برای کاهش تنش ناشی از یک رویداد ناگوار بازی می‌کند؛ با این حال، ابراز "تأسف" ممکن است به معنای پذیرش مسئولیت حقوقی هم تفسیر شود. از یک دیدگاه، موفقیت در این رابطه به مهارت در تحصیل منافع دیپلماتیک و در عین حال اجتناب از ریسک حقوقی بستگی دارد؛ از نگاهی دیگر، موفقیت در این رابطه به کسب حداکثری منافع حقوقی و در عین حال نادیده نگرفتن منافع کلی دیپلماتیک است.

دولتی که دولت دیگر را مسئول یک رویداد می‌داند که حقوق قانونی بین‌المللی آن را نقض کرده است و در نتیجه از آن دولت درخواست می‌کند که عذرخواهی کند، در حقیقت به دنبال ۳ چیز است:

- پذیرش دولت دیگر مبنی بر اینکه رویداد مربوطه عملاً رخ داده است (زیرا اغلب، بروز یک چنین رویدادهایی - حداقل به شیوه‌ای که مورد نظر دولت درخواست‌کننده عذرخواهی است - انکار می‌شود و یا اینکه در حاله‌ای از ابهام گذاشته می‌شود)،
- پذیرش دولت دیگر مبنی بر اینکه مسئولیت بین‌المللی ناشی از وقوع رویداد، به آن دولت منتسب است (زیرا حتی اگر رویداد مربوطه به شیوه مورد نظر دولت درخواست‌کننده هم رخ داده باشد، در این صورت هم مسئولیت بین‌المللی ناشی از آن به هیچ وجه بطور خودکار مستقر نمی‌شود)، و
- بیان تأسف از بروز رویدادی که اتفاق افتاده است.

راجع به دولتی که به دنبال الزام خواننده به عذرخواهی است، حداکثر وضعیت ممکن درخواست صدور یک بیانیه رسمی و بدون قیدوشرط عذرخواهی از وقوع رویداد است که به صورت مکتوب از سوی یک مقام عالی رتبه دولت متخلف خطاب به همتای خود در آن کشور صادر شده باشد. دولت متخلف به نوبه خود تا حد امکان به دنبال این خواهد بود که رعایت ۳ شرط فوق را به حداقل برساند. نتیجه نهایی معمولاً برقراری یک نوع تعادل میان دو هدف فوق می‌باشد. به دلیل ابهاماتی که به طور ذاتی در یک عذرخواهی وجود دارد حصول چنین توافقی آسان‌تر خواهد بود.

ماهیت یک عذرخواهی، بیان نوعی تأسف راجع به وقوع رویدادی است که به طور خاص پیامدهای ناخوشایندی داشته باشد، به عنوان مثال انهدام یک هواپیمای مسافربری، و یا غرق کردن یک کشتی، و یا درگیری مرزی مرزبانان که یک عده در این رابطه کشته شده باشند. در ساده‌ترین شکل ممکن، انتظار می‌رود دولتی که مسئولیت خویش راجع به چنین رویدادی را مورد پذیرش قرار می‌دهد، به عنوان یک اقدام طبیعی به دلیل وقوع چنین رویدادی عذرخواهی کند. و البته صورت دیگر هم ممکن است: معمولاً فرض می‌شود دولتی که از بابت وقوع چنین رویداد عذرخواهی می‌کند مسئولیت حقوقی خویش راجع به آن را مورد پذیرش قرار داده است. در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۳ یک عذرخواهی کامل صورت می‌گیرد: بدین صورت که رؤسای جمهور صربستان و مونته‌نگرو و کرواسی از بابت رویدادهایی که در جنگ سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ صورت پذیرفت و منجر به فروپاشی یوگسلاوی شد متقابلاً از هم عذرخواهی کردند. رئیس جمهور ماروویچ گفت: "من به عنوان رئیس جمهور صربستان و مونته‌نگرو می‌خواهم برای همه مصیبت‌هایی که هرکدام از شهروندان صربستان و مونته‌نگرو بر شهروندان کرواسی وارد آورده‌اند عذرخواهی کنم". مسیچ، رئیس جمهور کرواسی در پاسخ گفت: "من هم به همین ترتیب از همه کسانی که از جانب شهروندان کرواسی (که برخلاف قانون عمل کرده و یا از قانون سوء استفاده نموده) دچار محنت شده و یا خساراتی را متحمل شده‌اند عذرخواهی می‌کنم.

عنصر بنیادی عذرخواهی کامل این است که به شکل یک عذرخواهی از بابت بیان شود. عنصر عذرخواهی از بابت یک رویداد نه تنها بیان تأسف از بابت وقوع

رویداد را نشان می‌دهد، بلکه به معنای پذیرش وقوع رویداد و نیز پذیرش مسئولیت ناشی از آن است. بر خلاف معنای عذرخواهی از بابت یک رویداد، ممکن است عذرخواهی صرفاً به معنای وقوع رویدادی باشد. از این معنا پذیرش مسئولیت حقوقی به معنایی که در مفهوم عذرخواهی از یک رویداد وجود دارد استنباط نمی‌شود. معمولاً اتفاق می‌افتد که شخصی در برابر شخص دیگری اظهار تأسف نماید از اینکه یکی از دوستان و یا خویشان او دچار رویدادی ناگوار شده است؛ اما چنین رفتاری به هیچ وجه گویای این واقعیت نیست که شخصی که ابراز تأسف می‌کند مسئول آن رویداد است.

عذر دیگر، انعطاف‌پذیری در نتیجه توصیف و تبیین متفاوت وضعیت متضمن عذرخواهی حاصل می‌شود. مثلاً یک کشتی ممکن است در مجاورت یک کشتی نیروی دریایی غرق شود. اما این وضعیت ضرورتاً به معنای این نیست که کشتی مربوطه نیروی دریایی سبب غرق شدن کشتی بوده است، هرچند ممکن است اینگونه باشد، بلکه امکان دارد کشتی در اثر برخورد به یک صخره غوطه‌ور، غرق شده باشد، و یا اینکه به دلیل قدیمی و کهنه بودن، آب به درون آن نشت کرده و در نتیجه باعث غرق آن شده باشد. این مورد زمینه را برای پاسخ‌های متعدد دولت صاحب کشتی نیروی دریایی در رابطه با مسأله عذرخواهی فراهم می‌سازد. دولت صاحب کشتی نیروی دریایی، جدای از موضوع پذیرش با عدم پذیرش مسئولیت خود برای عذرخواهی مستقیم بابت غرق شدن کشتی مربوطه، ممکن است صرفاً تأسف خود بابت غرق شدن کشتی را ابراز دارد، و یا اینکه تأسف خود را تنها نسبت به اینکه غرق شدن کشتی باعث مرگ تعدادی شده اعلام دارد. علی‌رغم اینکه چنین عذرخواهی‌ها معانی متفاوتی دارند، اما از این لحاظ با هم مشابه هستند که باعث طرح گفتگوهای دیپلماتیک راجع به غرق شدن کشتی می‌شوند، اما تفاوت‌های جزئی با هم داشته و در نتیجه، نتایج حقوقی و یا دیپلماتیک متفاوتی ممکن است از آنها به دست آیند.

به هر شکل ممکن، دولتی که اعتقاد دارد دولتی دیگر راجع به نوعی رویداد که اتفاق افتاده است بایستی از آن عذرخواهی کند به دنبال این است که این دولت در پاسخ به صراحت تأسف خود را نشان داده و در صورت امکان نشان دهد که این تأسف

بابت چه چیزی بوده است: دولت مربوطه به دنبال این است که دولت دیگر که به اعتقاد آن مرتکب تخلف شده است بگوید که از بابت کاری که انجام داده است متأسف است. به همان ترتیبی که عبارت "متأسف بودن از اینکه" همان معنای پذیرش مسئولیت در عبارت "متأسف بودن بابت" را نشان نمی‌دهد، به همین ترتیب هم بیان تأثر، همدردی، و یا محکومیت هم ممکن است برای ترضیه خاطر دولت زیان دیده کافی نباشد. معنای واژه "تأثر" در این ارتباط به نسبت دشوار می‌نماید، زیرا با قدری اغماض می‌توان گفت که معنای آن بسیار نزدیک به معنای "تأسف" است، و اینکه این دو واژه آشکارا ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند. اما زمانی که آکیهیتو امپراطور ژاپن تأثر خود نسبت به وحشی‌گری‌های جنگ جهانی دوم اعلام نمود، این ابراز تأثر در سطح گسترده ناکافی قلمداد شد: این ابراز تأثر معنای ضمنی ابراز تأسف از وحشی‌گری‌های ژاپن در جنگ جهانی دوم را نداشت، با این حال این ابراز تأثر ژاپن در صورتی که این وحشی‌گری‌ها از سوی دیگر دولت‌ها انجام گرفته بود مناسب قلمداد می‌شد.

واژه "همدردی" نیز همین مشکلات تفسیر را دارد. شاید تصور شود که معنای آن بسیار نزدیک به معنای تأسف بوده و به عبارتی هیچ تفاوت معنایی با آن ندارد، اما باید گفت معنای کامل تأسف را نمی‌رساند، زیرا به جای اینکه معنای تأسف خوردن از اینکه یک رویداد اتفاق افتاده است را برساند، معنای خواسته درونی بر اینکه نباید یک رویداد اتفاق می‌افتاد را می‌رساند؛ واژه "تأثر" اغلب همراه با عبارت "از اینکه" به کار می‌رود (به معنای صرف تأسف خوردن از اینکه یک رویداد اتفاق افتاده است بدون پذیرش مشارکت و مداخله خود در آن رویداد)، و لذا همراه با عبارت "از بابت" بکار نمی‌رود (بیانگر ابراز تأسف از بروز یک رویداد و نیز پذیرش مداخله و تأثیر خود در آن رویداد). لذا ابراز تأثر عمیق سفیر آلمان در نامیبیا در ماه ژانویه سال ۲۰۰۴ راجع به کشتار چندین هزار نفر از قبيله هررو در نامیبیا، و توصیف آن از کشتار دسته جمعی به عنوان یک مسأله ناخوشایند، یک عذرخواهی کامل به معنایی که در این مقاله مورد نظر است نمی‌باشد. با این حال ابراز تأثر اغلب در وضعیت‌هایی مانند یک تجاوز که از شدت کافی برخوردار نیست کفایت می‌کند. لذا در سال ۱۹۳۱ ژنرال باتلر

از ارتش ایالات متحده اظهارات توهین‌آمیز و تحقیرآمیزی را علیه نخست‌وزیر ایتالیا می‌نماید که دولت ایالات متحده آمریکا در پاسخ به اعتراضات دولت ایتالیا، مراتب تأثر عمیق خود نسبت به این اقدام غیرمجاز یک مقام ارشد ارتش را اعلام می‌نماید. باید به خاطر داشت که طبق بند ۲ ماده ۳۷ طرح مواد راجع به مسئولیت دولت‌ها مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل، میان اشکال ترضیه خاطرخواهان که ممکن است شرط لازم برای جبران یک تخلف بین‌المللی قلمداد شوند، میان عنصر ابراز تأثر و عذرخواهی تفاوت ایجاد شده است.

به همین ترتیب، عنصر "محکومیت" نیز به معنای یک عذرخواهی کامل تفسیر نمی‌شود. این عنصر بیانگر این است که یک رویداد قویاً غیرقابل پذیرش بوده و رد می‌شود، اما معنای ضمنی پذیرش مسئولیت که در یک عذرخواهی صریح نهفته است را نمی‌رساند. در مجموع، دولت‌ها اغلب قویاً رفتار برخی دولت‌های دیگر را محکوم می‌کنند، اما چنین اقدامی به محکومیت به هیچ وجه به معنای این نیست که این دولت‌ها با این اقدام به نوعی مسئولیت یک چنین رفتار دولت‌های دیگر را مورد پذیرش قرار می‌دهند.

دسته‌بندی واکنش‌های دولتی با توجه به کاربرد اصطلاحات متفاوت عذرخواهی و شبه عذرخواهی از سوی آنها، در پاسخ‌های ایالات متحده آمریکا نسبت به رویداد بدرفتاری نسبت به زندانیان زندان ابوغریب بغداد مشهود است. دولت ایالات متحده آمریکا در ابتدا مراتب تأثر عمیق خود نسبت به گزارش بدرفتاری مربوطه را اعلام نمود، اما این نوع واکنش با توجه به ماهیت بدرفتاری‌های گزارش شده در کل ناکافی قلمداد گشت. پس از این بود که دولت این بدرفتاری را قویاً محکوم نمود، اما این رفتار هم به مثابه رفتار قبلی ناکافی دانسته شد. لذا با توجه به این، دولت کاری را کرد که بایستی از همان آغاز می‌کرد: مراتب عذرخواهی بدون قید و شرط خود از بابت بدرفتاری مربوطه را اعلام نمود. در ششم ماه می سال ۲۰۰۶، جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در آغاز گفتگو با ملک عبدالله پادشاه اردن اظهار نمود که: "من نزد دولت عراق مراتب ابراز تأسف عمیق خود از بابت رفتارهای تحقیرآمیز علیه زندانیان عراقی و تحقیر خانواده‌های آنان را اعلام نمودم". یک روز

پس از این اظهارات، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، آقای دونالد رام سفلد در حضور کمیته خدمات نظامی مجلس سنای آمریکا عذرخواهی عمیق خود از زندانیان مربوطه را اعلام نموده و افزود که کشورش تعهدات خود در این رابطه را با دقت اجرا خواهد کرد. او افزود که تعهدات خود در این باره را اجرا نکرده و در نتیجه مرتکب تخلف شده بودند. در این عذرخواهی ۳ شرط شناسایی شده برای یک عذرخواهی کامل مورد شناسایی واقع گشته بود - آنها این امر را مورد پذیرش قرار دادند که بدرفتاری‌ها ارتکاب یافته بودند؛ آنها پذیرفتند که پرسنل نیروهای نظامی ایالات متحده مرتکب این تخلف شده بود، و لذا این امر تلویحاً بیانگر این بود که مسئولیت این تخلف قابل انتساب به آنها است؛ و همچنین آنها تأسف خود را نسبت به رویداد مربوطه آشکارا ابراز نموده و عملاً از این موضوع نادم بودند.

فاکتوری مشخص که ممکن است نقشی مهم در عذرخواهی داشته باشد موضوع کاربرد زبان بکار رفته است که ممکن است ارتباطی نزدیک با معنای تأسف داشته باشد. ترجمه ممکن است همواره یک کار ساده نباشد، اما به گونه‌ای در شرایط و اوضاع و احوال دیگر بتوان با اختلافی جزئی معنای دیگری از آن استنباط کرد. همچنین نمی‌توان این امر را نادیده انگاشت که دولت‌ها ممکن است کلمات و عباراتی را بکار برند که ترجمه دقیق اصطلاحات و عبارات بکار رفته در متون یکدیگر نباشند، اما به گونه‌ای عملاً به حل اختلافات آنها کمک نمایند.

جدای از تفاوت‌های ظریفی که ممکن است در معنای عذرخواهی وجود داشته باشد، تردیدی وجود ندارد که عذرخواهی کامل و شفاف تلویحاً معنای پذیرش مسئولیت را در خود دارد. اما از منظر دولتی که عذرخواهی می‌کند، پذیرش این نتیجه از عذرخواهی که نتوان بر اساس آن رویداد مربوطه را دلیلی برای طرح دعوا علیه دولت دیگر دانست دشوار است. اگر چه پذیرش یک چنین پیشرفت به نظر ناممکن است، اما نمی‌توان آن را نادیده گرفت، به ویژه با توجه به اینکه بسیاری از رویدادها ماهیتاً بیش از یک ساختار را دارند. چنین وضعیتی عملاً در رسیدگی به دعوای مرز دریایی و سرزمینی کامرون و نیجریه مطرح شد. بخشی از این قضیه به دعوای کامرون علیه نیجریه مربوط می‌شد مبنی بر اینکه نیجریه از جنبه بین‌المللی

مسئول رویدادهای مرزی متعدد است. یکی از این دعاوی به رویدادی مربوط می‌شد که در ماه می سال ۱۹۸۱ اتفاق افتاد و در نتیجه آن ۵ سرباز نیجریه کشته شدند. نیجریه اظهار نمود که در آن زمان پس از گفتگوهای دیپلماتیک متعدد میان رؤسای این دو دولت، رئیس جمهور کامرون، آهیجو به صورت مکتوب از شاجاری، رئیس جمهور نیجریه عذرخواهی کامل کرد؛ وزیر امور خارجه کامرون به صورت اختصاصی برای ابراز عذرخواهی شفاهی به نیجریه سفر کرد؛ و همچنین کامرون به خانواده‌های قربانیان غرامت پرداخت کرد. به نظر می‌رسید که این عذرخواهی‌ها مانع از طرح یک دعوای بین‌المللی کامرون علیه نیجریه در ارتباط با رویداد مربوطه شود، اما دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه این شواهد را کافی برای یک تصمیم‌گیری نهایی راجع به تمامی دعوای بین‌المللی کامرون راجع به مسئولیت بین‌المللی ناشی از رویداد مربوطه، و نیز هر دعوای متقابل نیجریه در این ارتباط ندانست.

مخاطب و شکل

علی‌رغم اینکه انعطاف‌پذیری در شرایط و مقررات راجع به عذرخواهی محور و موضوع اصلی یک عذرخواهی بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، دو متغیر دیگر که ارتباط بسیاری با این موضوع دارند را بایستی مورد توجه قرار داد: اینکه عذرخواهی از جانب چه کسی انجام می‌گیرد و شکل و چهارچوب آن چگونه است، دیگر اینکه این عذرخواهی خطاب به چه کسی است. این دو متغیر چهارچوب لازم برای اوضاع و احوال خاص را فراهم می‌آورند؛ سطح مسئولیت مورد پذیرش دولتی که عذرخواهی می‌کند را مشخص می‌سازند؛ و همچنین فضا برای مانورهای دیپلماتیک در مذاکرات که ممکن است در تلاش برای یافتن یک سطح مناسب از عذرخواهی باشند را ممکن می‌سازند.

در اینجا نیز می‌توان برای ساده‌سازی مسأله مثالی روشن ارائه نمود، مبنی بر اینکه ممکن است یک هواپیمای در شرایط و اوضاع و احوالی که یک هواپیمای دولتی در حوالی آن در حال پرواز است سقوط کند. یک احتمال این است که دولت صاحب هواپیمای اخیر (چنانچه این دولت بپذیرد که سبب این سقوط بوده است) با صدور یک بیانیه در سطح مقامات ارشد مانند وزیر امور خارجه و یا وزیر دفاع و یا حتی در

صورتی که شرایط جدی‌تر باشد از سوی رئیس جمهور، از بابت رویداد پیش آمده عذرخواهی کند.

اما حتی عذرخواهی‌هایی هم که در سطح مقامات ارشد انجام می‌گیرند هم ممکن است برای اوضاع و احوال خاص که رویدادهای جدی اتفاق افتاده باشند کافی نباشند. لذا، راجع به بدرفتاری‌ها در زندان ابوغریب عراق، بیانیه‌های صادره مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور ایالات متحده، خانم کاندولیزا رایس مبنی بر اینکه "ما مراتب تأسف عمیق خود را بابت آنچه برای این مردم اتفاق افتاده است را اعلام می‌کنیم"، و افسر ارشد ارتش ایالات متحده آمریکا، سرتیپ مارک کیمیت مبنی بر اینکه "من به نمایندگی از ارتش خود، از بابت آنچه که این سربازان علیه این شهروندان انجام داده‌اند عذرخواهی می‌کنم" ناکافی بوده، و لازم بود که رئیس‌جمهور آمریکا آقای جورج دبلیو بوش، و وزیر دفاع آمریکا آقای دونالد رامسفلد با صدور بیانیه‌های جداگانه، این بیانیه‌ها را تکمیل نمایند. البته، ممکن است در برخی شرایط عذرخواهی‌های در سطح پایین‌تر کافی به نظر آیند، مانند عذرخواهی‌هایی که با صدور یک بیانیه مطبوعاتی از سوی یک دپارتمان دولتی مجاز انجام می‌گیرند، و یا با صدور یک بیانیه شفاهی از سوی یک سخنگوی مطبوعاتی انجام می‌گیرند. یک راهکار جایگزین این است که سفیر دولتی که هواپیمای سانحه دیده به آن متعلق است در دولت محل استقرار خود با صدور یک یادداشت رسمی به وزیر امور خارجه، و یا با تدارک ملاقات شخصی با وزیر مربوطه، و یا با صدور یک بیانیه مطبوعاتی از جانب سفارت، از جانب دولت خود مراتب عذرخواهی از دولت محل استقرار خود را اعلام کند. همچنین این امکان وجود دارد که مراتب عذرخواهی از سوی مقامات سطح پایین‌تر که مستقیماً مرتبط با سانحه هوایی باشند انجام گیرد، یعنی افسر نیروی هوایی منطقه‌ای که سانحه هوایی در آن اتفاق افتاده است، و یا حتی خلبان هواپیمایی که ناظر بر منطقه‌ای که سانحه هوایی رخ داده است بوده است - و بعلاوه این امکان وجود دارد که بتوان بسته به اینکه شخصی که عذرخواهی می‌کند عذرخواهی خود را در راستای حل و فصل رسمی و دیپلماتیک رویداد انجام می‌دهد

و یا اینکه عذرخواهی خود را شخصاً، مستقیماً، و به طور غیررسمی در پاسخ به آنچه اتفاق افتاده است انجام می‌دهد، دسته بندی‌های بیشتری از عذرخواهی داشت.

یک نمونه از این عذرخواهی غیررسمی در ۲۱ ژوئن سال ۲۰۰۴ اتفاق افتاد، زمانی که ۸ عضو از نیروهای هوایی بریتانیا در حالیکه تنها به اندازه ۳ شناور کوچک به بندر دیگر عراق فاصله داشتند به طور تصادفی بدون اجازه وارد آبهای سرزمینی مجاور ایران می‌شوند و در نتیجه نیروهای ایرانی آنها را بازداشت می‌کنند. یک روز پس از آن، یکی از این بازداشت شدگان روی تلویزیون ظاهر شده و آشکارا گفت که تیم آنها به اشتباه وارد آب‌های ایران شده و بدین صورت عذرخواهی کرد: "ما عذرخواهی می‌کنیم، زیرا که این کار یک اشتباه بزرگ محسوب می‌شد." یک چنین عذرخواهی شخصی، حتی در وضعیتی که به صراحت و بدون هرگونه دستور مافوق مقامات ارشد انجام گرفته است ممکن است برای ترضیه خاطر دولتی که اعتقاد دارد حقوق آن نقض شده است کافی باشد، در این نمونه چنین امکانی عملاً تحقق یافت، به گونه‌ای که معاون فرمانده نیروهای دریایی ایران، سردار دریادار پاسدار علی فدوی پس از آزادی این مردان اظهار نمود که: "جمهوری اسلامی ایران پذیرش اشتباه، و عذرخواهی این سربازان را مورد توجه قرار داده و لحاظ نمود."

عذرخواهی‌های شخصی و غیرمجاز مانند این ممکن است مورد استقبال هر دو دولت ذیربط باشند، از این لحاظ که ممکن است نه تنها یک راهکار آسان و نسبتاً غیرکلیدی برای اختلافی که ممکن است به یک اختلاف جدی تبدیل شود ارائه دهند، بلکه به گونه‌ای غیررسمی بوده و در نتیجه دولت می‌تواند آن را به معنای یک عذرخواهی شناسایی ننماید. یک دولت می‌تواند عملاً به گونه‌ای گفته‌های پرسنل زيردست خود را از طرف خود نداند، به ویژه زمانی که یک نوع ابهام در جملات و اصطلاحات به کار رفته در گفته‌های پرسنل زيردست خود ایجاد می‌شود، و یا اینکه این تردید ایجاد می‌شود که مبدا عذرخواهی مربوطه تحت فشار و اضطرار انجام گرفته باشد. در سال ۱۹۶۸، ناو یواس اس پوبلو (USS Pueblo) از سوی دولت کره شمالی توقیف شد، با این ادعای مقامات کره شمالی مبنی بر اینکه در این ناو از آب‌های ساحلی کره شمالی علیه کره شمالی فعالیت‌های جاسوسی انجام شده است.

این ناو و خدمه آن توسط کره شمالی توقیف شده، از آزادی آنها ممانعت می‌شد، تا اینکه درخواست‌هایی صورت گرفتند: این درخواست‌ها شامل عذرخواهی بودند. دولت ایالات متحده آمریکا سندی را امضا کرد مبنی بر اینکه: رسماً از بابت رفتارهای مطروحه در سند مذکور عذرخواهی می‌کند، با این حال متعاقب این سند بیانیه یکجانبه‌ای را صادر کرد مبنی بر اینکه این سند موضع واقعی ایالات متحده آمریکا را نشان نمی‌دهد.

همانند موضوع شناسایی شخص مناسب برای عذرخواهی، موضوع مخاطب واقعی عذرخواهی هم مطرح می‌شود. عذرخواهی از یک دولت زیان دیده ممکن است مستقیم و یا غیرمستقیم باشد. عذرخواهی مستقیم که مشخص است، مانند یک مکاتبه که به امضای وزیر امور خارجه و یا سفیر رسیده باشد و در نتیجه برای طرف مقابل ارسال شده باشد. اما یک عذرخواهی غیرمستقیم ممکن است هیچ مخاطب خاص نداشته باشد، و یا اینکه حداقل هیچ ارتباط خاص با دولتی که باید ظاهراً از آن عذرخواهی شود نداشته باشد. بنابراین عذرخواهی ممکن است به شکل یک بیانیه عمومی و از سوی یک وزیر ارشد دولت نزد پارلمان ملی، و یا در اجلاس‌های بین‌المللی مانند صحن سازمان ملل متحد قرائت شود: مخاطب رسمی این بیانیه نهادی است که بیانیه در آن قرائت می‌شود، اما در حقیقت مخاطب واقعی آن دولتی است که شایسته است از آن عذرخواهی شود. به همین ترتیب می‌توان بیانیه‌های عذرخواهی را - چیزی که امروز بسیار شایع است - را در رسانه‌های عمومی انجام داد: از طریق مطبوعات، و یا طی مصاحبه‌های تلویزیونی؛ و این مصاحبه‌ها ممکن است روی شبکه‌های تلویزیون ملی، و یا روی شبکه‌هایی که به طور خاص موقعیت رخداد حادثه را پوشش می‌دهند انجام گیرند. یک عذرخواهی ممکن است در جریان ملاقات با نمایندگان برخی دولت‌های ذینفع دیگر صورت گیرد، این مورد در عذرخواهی بوش راجع به بدرفتاری‌ها در زندان ابوغریب عراق در نشست خود با پادشاه اردن، ملک عبدالله صورت گرفت.

اما راجع به عذرخواهی‌ای که مستقیم انجام می‌گیرد، یک نوع انعطاف‌پذیری قابل توجه در شناسایی مخاطب واقعی وجود دارد، بدین طریق که این نوع عذرخواهی

ایده‌ها و ملاحظات کاربردی مهمی از لحاظ سطح و اهمیت ابراز تأسّف و مسئولیت حقوقی مرتبط با عذرخواهی، برای دولت زیان دیده دارد. نکته بارز و روشن اینکه عذرخواهی از جانب یک مقام عالی رتبه دولتی خطاب به یک مقام عالی رتبه دولت دیگر (به دلیل اهمیت محتوایی خاصی که دارد) یک نشانه آشکار برای پذیرش مسئولیت بین‌المللی دولتی که عذرخواهی می‌کند نسبت به رویداد مربوطه می‌باشد. با این حال، قسمت پیچیده‌تر مسأله زمانی است که عذرخواهی خطاب به دولت مرکزی نباشد، بلکه خطاب به مقام محلی و یا استانی باشد که ممکن است رویدادی که از بابت آن عذرخواهی می‌شود تأثیر اصلی خود را در آنجا بجای گذاشته باشد، مثلاً مکان و محلی که هواپیما در آنجا دچار سانحه شده است. با این حال از این پیچیده‌تر در چهارچوب مسئولیت بین‌المللی زمانی است که عذرخواهی خطاب به مقامات دولتی صورت نگیرد، بلکه عذرخواهی خطاب به افرادی که تحت تأثیر حادثه قرار گرفته‌اند صورت گیرد، مانند آنهایی که ممکن است در حادثه مربوطه سانحه دیده باشند و یا خویشاوندان آنهايي که در نتیجه سانحه مربوطه از بین رفته‌اند.

عذرخواهی به عنوان یک شکل از جبران خسارت

ابعاد متعدد و زیاد راجع به ماهیت و شکل عذرخواهی که ممکن است در فرایند گفتگوهای دیپلماتیک راجع به رخداد برخی وقایع، دنبال شده و مطرح شوند از بسیاری جهات گام اولیه یک حرکت بین‌المللی مرتبط را تشکیل می‌دهند. بنابراین، درحالی‌که عذرخواهی به نظر در گام‌های اولیه حل و فصل بیشتر مطرح با شد، اما در اوج فرایند حل و فصل اختلاف هم به همین ترتیب اهمیت دارد. نه تنها ممکن است یک عذرخواهی در سطح بین‌المللی و دیپلماتیک عملاً یک اختلاف را فیصله دهد، اما حتی اگر در این مرحله هم عذرخواهی تأثیر نداشته باشد و در نتیجه اختلاف نزد یک دادگاه بین‌المللی مطرح شود، در این مرحله یک عذرخواهی ممکن است یکی از اشکال جبران خسارت را تشکیل دهد، به این‌گونه که محکمه، دولتی را که ناقض حقوق بین‌الملل تشخیص داده است را ملزم به عذرخواهی به عنوان یکی از اشکال جبران خسارت نماید.

با توجه به ترمینولوژی‌های بکار رفته در طرح مواد راجع به مسئولیت دولت‌ها که مورد پذیرش کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار گرفته است، یک جبران کامل خسارت ناشی از یک عمل متخلفانه بین‌المللی در شکل اعاده وضعیت، پرداخت غرامت، و رضایت صورت می‌گیرد که ممکن است به تنهایی و یا توأمان صورت گیرد (ماده ۳۴). اعاده وضعیت (مثلاً بازسازی وضعیت موجود قبل از ارتکاب عمل متخلفانه)، و پرداخت غرامت (مواد ۳۵ و ۳۶) را شاید بتوان دو شکل اصلی جبران خسارت دانست؛ تا جایی که این دو شکل، زیان وارده را به طور کامل جبران نکنند، لازم است که دولت مسئول عمل متخلفانه رضایت طرف دیگر را جلب کند (ماده ۱) (۳۷). همان طور که در یادداشت راجع به ماده ۳۷ آمده است، "رضایت ... یک ابزار جبرانی برای خساراتی محسوب می‌شود که از لحاظ مالی قابل ارزیابی و سنجش نبوده و مایه وهن دولت دیگر شده‌اند."

به عنوان شکلی از رضایت، عذرخواهی ابزاری در اختیار یک دادگاه بین‌المللی است چنانچه دادگاه تشخیص داده باشد که یک دولت حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. اینکه آیا درست است که یک دادگاه بین‌المللی دولت متخلف را ملزم کند تا از زیان دیده عذرخواهی کند به شرایط و اوضاع و احوال خاص هر قضیه بستگی دارد، و نمی‌توان پیشاپیش قاعده راجع به آن را تجویز کرد. در موارد متعدد یک محکمه دستور یک عذرخواهی را صادر کرده است. در قضیه *I'm Alone*، نمایندگان منصوب برای ارائه گزارش راجع به چگونگی غرق یک ناو کانادایی در آب‌های آزاد از سوی ناو تجاری ایالات متحده گزارش دادند که ایالات متحده "بایستی رسماً غیرقانونی بودن رفتار خود را بپذیرد (رفتار غرق کردن یک کشتی)، و در نتیجه از دولت کانادا عذرخواهی نماید. در قضیه کشتی مبارز رنگین کمان (*Rainbow Warrior*)، اختلاف میان نیوزلند و فرانسه راجع به غرق کردن کشتی صلح سبز با نام کشتی مبارز رنگین کمان بود که از سوی یک مامور فرانسوی در بندر اوکلند انجام گرفت. این اختلاف برای رسیدگی نزد دبیرکل سازمان ملل متحد ارجاع شد. دبیرکل سازمان ملل متحد در دستور ۶ ام ماه جولای خود در سال ۱۹۸۶ مقرر نمود که نخست وزیر فرانسه بایستی بابت حمله خدمه فرانسوی به کشتی مبارز رنگین

کمان که ۱۰ جولای سال ۱۹۸۵ و بر خلاف حقوق بین‌الملل انجام گرفته بود رسماً و بدون قید و شرط از نخست وزیر نیوزلند عذرخواهی کند. و در عین حال میان نیوزلند و فرانسه توافق شد که این تعهد راجع به عذرخواهی بایستی حداکثر تا قبل از ۲۵ ام جولای سال ۱۹۸۶ انجام پذیرد.

با این حال، به همان ترتیب که یک دولت مستقل ممکن است پیشنهاد عذرخواهی را ناکافی داند، به همین ترتیب هم محکمه ممکن است نتیجه گیرد که عذرخواهی در وضعیتی خاص ناکافی است. در قضیه لاگران، پس از اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری تشخیص داد که ایالات متحده آمریکا از بابت نقض تکلیف آگاه کردن برادران لاگران از حقوقشان در بهره‌مندی از معاضدت کنسولی قبلاً عذرخواهی کرده بود، تشخیص داد که در قضیه مربوطه عذرخواهی کافی نیست، زیرا که این روند در قضایای مشابه دیگر که به موجب آنها اتباع خارجی بدون تأخیر از حقوق خود به موجب ماده ۳۶، پاراگراف ۱ کنوانسیون وین مطلع نشده بودند و در نتیجه به بازداشت‌های طولانی مدت و یا مجازات‌های شدید محکوم شده بودند معمول نبود.

نتیجه گیری

به طور کلی، یک عذرخواهی را می‌توان به عنوان یک ابزار مفید و البته نه ضرورتاً تعیین کننده دانست که هم در گفتگوهای دیپلماتیک که بلافاصله پس از وقوع رویداد ناقض حقوق بین‌الملل انجام می‌شوند، و هم در هر رسیدگی قضایی مرتبط با رویداد نقش ایفا می‌کند. جایگاه و اهمیت آن از لحاظ دیپلماتیک به انعطاف‌پذیری آن است، اما دست آخر اهمیت آن به طرز تلقی و رویکرد دولت‌های مرتبط راجع به کفایت آن در شرایط خاص هر قضیه بستگی دارد. در مورد محکمه، دستور عذرخواهی، دولت مخاطب این دستور را ملزم می‌کند تا رفتار سوء خود، و نیز قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل را در ارتباطات بین‌المللی خود مورد پذیرش قرار دهد.

